

بازخوانی فقهی
امر به معروف، نهی از منکر
و اجرای حدود

سید مصطفی محقق داماد

مقدمه

گفتار اول

تعریف معروف و منکر

الف) تعریف معروف

ب) تعریف منکر

نقد و بررسی

گفتار دوم

حکم امر به معروف و نهی از منکر

الف) وجوب امر و نهی

۱. نظریه نسبی بودن وجوب امر و نهی

۲. نظریه عقلی بودن وجوب امر و نهی

نقد و بررسی

ب) نوع وجوب امر به معروف و نهی از منکر

۱. نظریه عینی بودن وجوب امر و نهی از منکر

۲. نقد نظریه عینی بودن وجوب

۳. فایده فقهی این اختلاف

۴. تحلیل روایت مسند بن مسعود

مؤسسه پژوهشی و فرهنگی
مرکز نشر علوم انسانی
تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به مترو قیطریه، ایستگاه پل رومی، پلاک ۱۷۹۰



مرکز نشر علوم انسانی

تألیف
سید مصطفی محقق داماد

کاور حسن بیگلو

گرافیسیت، طراح و اجرای جلد

لیتوگرافی
کوثر

چاپ متن
دایره سفید

صحافی
حقیقت

تیراژ
۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول
بهار ۱۳۹۶

تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به مترو قیطریه، ایستگاه پل رومی، پلاک ۱۷۹۰

تلفن: ۰۲۲۶۰۶۴۱۴ - ۰۲۲۰۰۸۷۷۸

پیوست شماره ۶

نقدی بر قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

رحیم نوبهار

بیزهشگر حوزوی

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به امر به معروف و نهی از منکر بها داده است. اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است ترسیمی متوازن و متعادل از فریضه امر به معروف و نهی از منکر به دست دهد. بنابراین اصل «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم، و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر». این اصل همان‌گونه که مبانی و ادله امر به معروف و نهی از منکر هم ایجاب می‌کند، این دو فریضه را وظیفه‌ای عمومی قلمداد نموده و آحاد شهروندان را مجاز دانسته است تا حاکمیت را نقد و امر به معروف و نهی از منکر کنند. پیداست که مقصود از دولت در این اصل، حاکمیت به معنای عام آن است و نه تنها قوه مجریه. هیچ مقام و نهادی در این اصل استثنا نشده است. البته پرداختن به توسعه و ترویج خیر عمومی همچون وظیفه‌ای همگانی تنها در این اصل از قانون اساسی انعکاس نیافته است. در مواردی دیگر هم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با انتخاب رویکردی اخلاق‌گرایانه به وظیفه همگانی دعوت به خیر عمومی پرداخته است؛ از جمله برابر بند یکم اصل سوم قانون اساسی دولت موظف است همه امکانات خود را برای ایجاد محیط مساعد

۱. برای ملاحظه برخی از چالش‌های نظری و عملی اخلاق‌گرایی و مداخله دولت در اخلاق نک: نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، چاپ اول، تهران، جنگل، ۱۳۸۷.

برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی به کار برد. همچنین به حکم بند ۷ همین اصل دولت موظف است برای محو هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصار، همه امکانات خود را به کار بگیرد؛ امری که بدون شناسایی حق مردم بر امر به معروف و نهی از منکر امکان پذیر نیست. به همین ترتیب تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی که آن نیز به حکم بند ۴ اصل سوم از وظایف حاکمیت است، مستلزم وجود فضای نقد و آزادی امر به معروف و نهی از منکر است. همچنین شناسایی جرائم سیاسی و مطبوعاتی که در اصل ۱۶۷ انعکاس یافته از نظر مبانی اسلامی ریشه در شناسایی حق شهروندان بر امر به معروف و نهی از منکر دارد. با این حال تصویب قانونی که به شرح ابعاد این دو فریضه مهم اسلامی بپردازد سال ها به تعویق افتاد. البته قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ در بند ۳ ماده ۳۱ ارتکاب عمل مجرمانه به عنوان امر به معروف و نهی از منکر را جرم محسوب نکرده بود. بدین سان این قانون، امر به معروف و نهی از منکر را همچون امر آمر قانونی و ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم از عوامل موجهه جرم قلمداد کرده بود. اما این مضمون در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ حذف شد؛ قلمداد کردن امر به معروف و نهی از منکر از عوامل موجهه جرم به این صورت البته مشکلاتی را هم پدید آورده بود. سرانجام در اردیبهشت ۱۳۹۴ قانون حمایت از آمران به معروف و نهی از منکر به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. هم عنوان این قانون و هم محتوای آن گواهی می دهد که قانون جامعی در این باره نیست. در ادامه تلاش می کنم برخی از ملاحظات مربوط به این قانون را که به نظر با اهمیت می رسند یادآور شوم.

۲. به نظر نگارنده یکی از ویژگی های قانون گذاری پس از انقلاب اسلامی بی حوصلگی و عدم دقت در تصویب قانون است. این ویژگی در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر هم به چشم می خورد. برای نمونه در ماده ۱

این قانون آمده است که: «در این قانون، معروف و منکر عبارت اند از هرگونه فعل، قول یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی یا ثانوی در شرع مقدس یا قوانین مورد امر قرار گرفته یا منع شده باشد». می بینیم که تعریف معروف و منکر چگونه به یکدیگر آمیخته شده اند. قانون گذار می توانست این مضمون را در قالب عبارتی واضح تر بیان کند و برای نمونه مقرر نماید که: در این قانون، معروف عبارت است از هرگونه فعل یا قولی که به عنوان حکم اولی در شرع بدان فرمان داده شده باشد، یا از نظر قانون انجام آن لازم باشد. مقصود از منکر نیز رفتاری است که از انجام آن در شرع نهی شده باشد یا ترک آن به موجب قانون لازم باشد.

۳. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در ماده ۳ امر به معروف و نهی از منکر را ناظر به رفتارهایی دانسته است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد. تعیین دامنه امر به معروف و نهی از منکر بدین لحاظ از نکات مثبت این قانون است. در جایی دیگر به تفصیل آورده ام که جمع منطقی میان ادله امر به معروف و نهی از منکر و ادله حرمت تجسس همین را می طلبد. روا دانستن امر به معروف و نهی از منکر در قلمروهای خصوصی افراد به معنای تجویز تجسس و نقض حریم خصوصی افراد است. حرمت تجسس از مسلمات فقه اسلامی است. اگر نقض حریم خصوصی با استناد به امر به معروف و نهی از منکر مجاز باشد، ادله نهی از تجسس لغو و بدون موضوع خواهد بود.^۱ با این حال این نکته مهم و بنیادین عملاً توسط ماده پنج همین قانون به نوعی نقض شده و راه برای نقض حریم خصوصی افراد گشوده شده است. به موجب ماده ۵: «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید مگر در مواردی

۱. نک: نویهار، رحیم، «آموزه های اسلامی، حوزه عمومی، حوزه خصوصی»، در: حقوق بشر در جهان معاصر: دغدغه ها و دیدگاه های حقوق دانان و فقهای ایرانی، چاپ اول، قم: آیین احمد، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶.

که قانون تجویز کند». ظاهراً قید اخیر در این ماده (مگر در مواردی که قانون تجویز کند) نه تنها به تمام موارد پیش از آن بلکه به حقوق اشخاص باز می‌گردد. ضمن اینکه حتی رجوع آن به حقوق اشخاص نیز در معنا با رجوع آن به همه موارد پیش‌گفته یکسان است؛ زیرا موارد ذکر شده پیش از حقوق اشخاص نیز به نوعی مصداق حق‌اند؛ در واقع گویی حقوق اشخاص، ذکر عام پس از ذکر خاص است؛ از جمله تفسیرهای نادرست از این ماده آن است که گفته شود: چون امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی است در کلیه مواردی که مقامات عمومی مجازند مداخلاتی در حریم خصوصی بنمایند، دیگران هم با استناد به انجام امر به معروف و نهی از منکر مجاز به مداخله‌اند. برابر این تفسیر مرزی برای حریم خصوصی باقی نمی‌ماند. تفسیر مناسب‌تر این است که مقصود قانون‌گذار از مواردی که قانون تجویز کند، مواردی است که قانون‌آییناً مداخلات دولتی در حریم خصوصی را با شرایط و ضوابطی برای برخی از مقامات دولتی تجویز کرده است و گرنه تجویز مداخله در حریم خصوصی شهروندان توسط افراد عادی به‌عنوان امر به معروف و نهی از منکر مستلزم هرج و مرج، ناامنی و بی‌معنایی حریم خصوصی می‌شود. تبصره همین ماده یک بار دیگر تمایل قانون‌گذار به کم‌رنگ کردن حریم خصوصی و کوچک کردن مرز و محدوده آن را نشان می‌دهد. برابر این تبصره: «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه، مشمول حریم خصوصی نیست». به دشواری می‌توان قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها را که ممکن است تنها به چند مالک خصوصی محدود تعلق دارد از شمول عنوان حریم خصوصی خارج دانست. به همین ترتیب اینکه وسایل نقلیه به‌کلی مشمول حریم خصوصی نباشند محل تردید

۱. البته با رعایت این ملاحظه که اگر مقصود از حیثیت کرامت ذاتی انسان باشد، تعرض به کرامت ذاتی هیچ انسانی حتی انسان برهنگار روا نیست.

جدی است. حریم خصوصی مفهومی مشکک و نسبی است. وسایل نقلیه اشخاص نسبت به انجام برخی رفتارها در آن قلمرو خصوصی است؛ هرچند عرف ممکن است انجام برخی رفتارها را در وسیله نقلیه، زمانی که این وسایل در مکان‌های عمومی باشند، مصداق رفتار در قلمرو خصوصی نداند. خوب بود قانون‌گذار در این مورد دقت بیشتری به خرج می‌داد و ضابطه دقیق‌تری برای حریم خصوصی تعیین می‌کرد. کم‌توجهی به حریم خصوصی در طرح اولیه پیشنهادی نمایندگان هم وجود داشت؛ آن‌جا که در بند ۳ ماده ۱۰ خانواده را از جمله قلمروهایی برشمرده بود که امر به معروف و نهی از منکر در آن روا بود. روشن نبود که چه کسانی می‌توانند در محیط خانواده امر به معروف و نهی از منکر کنند. نگارنده در سخنرانی‌ای که در نشست مربوط به نقد و بررسی این طرح در آبان ۱۳۹۳ در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد این موضوع را نقد کرد. بخش‌هایی از خانواده و روابط خانوادگی جزء خصوصی‌ترین و محرمانه‌ترین قلمروهاست و تجویز امر به معروف و نهی از منکر به‌طور مطلق در این قلمرو آشکارا با شناسایی حریم خصوصی ناسازگار است. شناسایی حریم خصوصی در مواردی مصداق حرمت نهادن به کرامت انسان و نقض آن نقض کرامت انسان است. البته خصوصی و محرمانه قلمداد کردن نهاد خانواده به معنای آن نیست که زن یا شوهر می‌توانند به بهانه محرمانه بودن این قلمرو به یکدیگر آسیب برسانند. از چشم‌اندازی دیگر فلسفه وجودی امر به معروف و نهی از منکر توسعه اخلاق، فضیلت و خیر مدنی است. گشودن دست افراد برای سرکشی به حریم خصوصی دیگران دقیقاً به توسعه فساد و بی‌اخلاقی می‌انجامد.

۳. یک جنبه امر به معروف و نهی از منکر، دعوت، پیشنهاد و ترغیب دیگران به خیر یا بازداشتن آنان از شر و بدی است. وجه دیگر آن اما متضمن الزام است. ماده ۲ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر به این دو وجه امر

به معروف و نهی از منکر اشاره کرده است. به موجب این ماده امر به معروف و نهی از منکر، دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر است. این دو مرحله یا دو شیوه امر به معروف و نهی از منکر با آنکه هر دو عنوان امر به معروف و نهی از منکر را دارند ماهیتاً بسیار متفاوت اند. تعریف منکر و معروف به طور عام و عدم تمایز میان این دو نوع امر به معروف و نهی از منکر و بازداشتن دست شهروندان عادی و حتی دولت برای این که دیگران را به خیر و اदार نمایند یا از بدی باز دارند، ممکن است زمینه ساز کاربردهای ناروای اجبار و قهر باشد. خوب بود قانون گذار این مسئله مهم را به سکوت برگزارد نمی کرد. در متن اولیه طرح نمایندگان مجلس برای پرهیز از این محذور تدبیری اندیشیده شده بود. در ماده ۴ طرح اولیه نمایندگان مجلس با عنوان طرح امر به معروف و نهی از منکر آمده بود که: «به عنوان امر به معروف و نهی از منکر نمی توان دیگران را به پذیرش یا ترک عقیده ای خاص، اکراه یا اجبار [یا] وادار کرد». در واقع این ماده که مضمون و محتوای آن در قانون نهایی مصوب نادیده انگاشته شد ترجمان احترام به گونه ای از حریم خصوصی است که حریم خصوصی ذهنی و فکری نامیده می شود.

۴. با آنکه ماده ۸ قانون صریحاً پذیرفته است که مردم حق دارند دولت را دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر کنند، سمت و سوی قانون به حکومتی کردن امر به معروف و نهی از منکر متمایل تر است. ترکیب اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر که عهده دار وظایف اساسی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر است، ترکیبی کاملاً رسمی و حکومتی است. البته یک بار دیگر همچون تقریباً موارد مشابه حضور حوزویان در ستاد برجسته است. اما حضور دانشگاهیان و استادان دانشگاه که بسته به تخصص های خود می توانند مؤثر و کارآمد باشند، کم رنگ است؛ هر چند در ستادهای استانی و شهرستانی رئیس یکی از دانشگاه های استان، آن هم با انتخاب رئیس ستاد،

پیش بینی شده است.

۵. ترکیب این شورا از چشم اندازی دیگر هم شایسته درنگ و تأمل است. در کشور ما از یک سو دولت به معنای قوه مجریه وجود دارد که ریاست آن برنامه های خود را به مردم اعلام می کند و مردم بنا به فرض به برنامه های او رأی می دهند. اما در عمل شوراهای و نهادهای فراوانی وجود دارد که دولت منتخب به دشواری می تواند برنامه های اعلامی خود را پیگیری و اجرا نماید. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر یک شورا به شمارگان شوراهای پیشینی که بر دامنه اختیار و اقتدار قوه مجریه چنبره زده اند افزوده است. آن دسته از اعضای ستاد که خارج از دولت اند تقریباً دو برابر افراد قوه مجریه اند. روشن نیست که نسبت برنامه های فرهنگی اعلامی توسط رئیس جمهور با برنامه هایی که بناست توسط این ستاد پیگیری شود چیست. در واقع نهاد دولت که یکی از نهادهای انتخابی است و رئیس آن یعنی رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود و اعضای آن نیز از نهاد مجلس شورای اسلامی که منتخب ملت است رأی اعتماد می گیرند، در نهایت صالح نیستند در چنین زمینه ای اختیاردار باشند. این به معنای هرچه محدود کردن نهاد دولت است که در کشور ما پیوسته از زوایای گوناگون در حال رخ دادن است. ادامه این روند در نهایت به افول و حتی زوال قوه مجریه می انجامد. البته از پیامدهای شوراهایی با این گونه ترکیب آن است که در صورت موفقیت یا عدم موفقیت هیچ نهادی را نمی توان مسئول دانست؛ امری که اکنون در بسیاری از حوزه ها رخ داده است و به دشواری می توان فرد یا نهاد خاصی را مسئول موفقیت یا بی توفیقی در اجرای وظایف محوله دانست. در واقع این ترکیب ها نه با رویکرد استقلال قوا سازگار است و نه چندان با مدل جمهورییتی که تلاش می کند به جای استقلال قوا بر ترکیب و هماهنگی قوا تأکید کند. زیرا در مدل جمهورییتی هم باید موازنه و تعادل میان نهادهای متصدی برقرار باشد و وزن نهادها و سازمان های مختلف، به ویژه آن ها

که وجه انتخابی دارند، متناسب باشد.

۶. علی القاعده قانونی که هدف آن اجرای درست و بهینه امر به معروف و نهی از منکر است باید برای سوءاستفاده‌های احتمالی از این نهاد و مفهوم مقدس هم تمهیداتی بیندیشد. ماده ۶ قانون به ظاهر در پی چنین هدفی مقرر نموده است: «هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افترا، ضرب، جرح و قتل مبادرت نماید. مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی مجازات می‌شود». می‌بینیم که قانون‌گذار دریغ کرده است با کسانی که از عنوان مقدس امر به معروف و نهی از منکر سوءاستفاده کرده‌اند کم‌ترین مقابله‌ای داشته باشد. در واقع قانون‌گذار در این موضع به ارشاد و نصیحت سوءاستفاده‌کنندگان بسنده نموده است. اگر این ماده وجود نداشت حکم قانونی ارتکاب جرم به نام امر به معروف و نهی از منکر باز هم همان چیزی است که در این ماده آمده است. در واقع، وجود این ماده با نبود آن یکسان است. این در حالی است که برابر ماده ۷ همین قانون مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به امر به معروف و نهی از منکر نمایند، قابل تخفیف یا تعلیق نیست و صدور حکم مجازات نیز قابل تعویق نمی‌باشد. جا داشت قانون‌گذار برای صیانت از امر به معروف و نهی از منکر و پیشگیری از سوءاستفاده از آن تمهیدی بیندیشد. این البته به معنای آن نیست که نگارنده از توسعه جرم‌انگاری زیر عنوان امر به معروف و نهی از منکر یا جزآن دفاع می‌کند. جرم‌انگاری و مجازات در هر حال امری حداقلی و آخرین چاره است. مقصود آن است که در یک قانون میان زوایای گوناگون مسئله باید نوعی توازن و تعادل وجود داشته باشد. قانون‌گذار هماهنگ با همین رویکرد جانب‌دارانه در تبصره ماده ۷ جرم علیه آمران به معروف و ناهیان از منکر را از جرائم عمومی شناخته است تا حتی در صورت گذشت مجنی علیه یا اولیای دم، مقامات عمومی بتوانند به تعقیب مرتکبان بپردازند. اما ارتکاب جرم علیه دیگران به نام امر به معروف و

نهی از منکر فاقد چنین ویژگی‌ای است.

پیش‌بینی مجازات برای اشخاص حقیقی یا حقوقی که در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند آن‌گونه که در ماده ۹ آمده مناسب است. هر چند جا داشت قانون‌گذار در این باره جانب شهروندان را بیشتر می‌گرفت و به اشخاص حقوقی دولتی یا حاکمیتی تصریح می‌نمود.

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر به اتباع خارجی توجه ویژه نموده است. برابر ماده ۱۲ این قانون: وزارت امور خارجه، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط موظف‌اند اتباع خارجی را قبل و حین ورود به کشور نسبت به قوانین و مقررات و رعایت شئون اسلامی آگاه کنند. احتمالاً مقصود قانون‌گذار قوانین و مقررات کشور و رعایت شئون اسلامی است. در واقع واژه اسلامی تنها قید شئون است و مقصود آموزش تمام قوانین و مقررات اسلامی نیست. البته آگاهی جهانگردان به اهم قوانین و مقررات کشوری که به آن وارد می‌شوند هم حق و هم تکلیف آنان است. حق بر اطلاعات اساسی به‌ویژه اطلاعات مربوط به سلامت و حیات از حقوق مهم گردشگر خارجی است. با این حال جا داشت قانون‌گذار برای صیانت و حفاظت گردشگران از تعرض‌های احتمالی خودسرانه تمهیداتی می‌اندیشید. زیرا از یک سو حقوق و وظایف گردشگر دقیقاً همان حقوق و وظایف شهروندان کشور متبوع نیست. از سوی دیگر نوع برخورد با گردشگر به‌ویژه به نام اسلام و گسترش خیر و فضیلت حساسیت‌ها و ظرافت‌هایی دارد که همگان به آن‌ها آگاه نیستند، به‌ویژه اینکه متأسفانه از گردشگران، از بسیاری جهات در نظام حقوقی ایران حمایت کافی نشده است. برای نمونه آن‌ها در برابر صدمات بدنی و جنایت علیه تمامیت جسمانی از حمایت مؤثری برخوردار نیستند. حتی در دیدگاه رایج، برخی از آن‌ها فاقد دیه‌اند. امری که البته به لحاظ مبانی فقهی جای بازنگری دارد و کاستی بزرگی در نظام حقوقی کشور ماست. جا داشت

قانون‌گذار امر به معروف و نهی از منکر در مورد این دسته افراد را تابع مقررات سخت‌گیرانه‌ای نماید تا تعرض به آنان به نام امر به معروف و نهی از منکر آسان نباشد.

امر به معروف و نهی از منکر با برخی از مقوله‌ها اصطکاک و تضاد پیدا می‌کند. تبیین مرز میان امر به معروف و نهی از منکر با این مقوله‌ها و اتخاذ موضعی شفاف درباره آن‌ها از ضرورت‌های یک قانون خوب است. در برخی موارد استیفا و اجرای حق بر امر به معروف و نهی از منکر توسط شهروندان در چهره نقد و انتقاد جلوه‌گر می‌شود. جا داشت تمهیداتی اندیشیده شود تا در جانب مقابل به کسانی اختیار داده نشود تا به نام امر به معروف و نهی از منکر به منتقدان یا کسانی که در صدد استیفاء حق خود بر آزادی بیان اند تعرض نمایند. متأسفانه در کشور ما در مقاطع گوناگون حمله به مراسم قانونی و گروه‌هایی‌ها یا سخنرانی‌های قانونی به یک سنت ناپسند تبدیل شده است. گروه‌های خودسری که در این باره اقدام می‌کنند اغلب به دلایل و مستندات دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر استناد می‌کنند. جا داشت قانون‌گذار با بیانی روشن و صریح موضع خود در این باره را اعلام می‌کرد. مضمون ماده ۶ به طور ناقص البته به این مسئله پرداخته است. ولی قانون‌گذار واقعگرا پیوسته باید به واقعیت‌های جاری نظر داشته باشد و راه را بر سوءاستفاده‌های موجود ببندد.

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، سازمان‌های مردم‌نهادی را که در خصوص امر به معروف و نهی از منکر فعالیت می‌کنند به رسمیت شناخته است. برابر ماده ۴ این قانون سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر به ثبت رسیده می‌توانند مطابق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن اقدام کنند. یک بار دیگر این قانون استیفاءی حق مردم در قالب گروهی متشکل و منظم را مقید به کسب اجازه از حکومت ساخته و به نوعی دامن‌ه حقوق مردم را محدود کرده است. اصل هشتم

قانون اساسی با اطلاق و عموم خود به مردم حق داده است تا جمعاً یا منفرداً به امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند؛ همچنان که اصل ۲۶ قانون اساسی تشکیل انجمن‌ها و احزاب را به اجازه حکومت و دولت متوقف ننموده است. اما قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، پیگیری حق مسلم مردم را به نوعی بر اجازه رسمی دولت متوقف کرده است. این البته تنها موردی نیست که قانون اساسی این‌گونه تفسیر و تعبیر می‌شود. این رویه در مورد تشکیل حزب، راه اندازی مطبوعات، رسانه‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد هم وجود دارد و در عمل استیفاءی حق مردم بر اجازه‌های دولتی متوقف شده است؛ امری که نه با ظاهر متن قانون اساسی سازگار است و نه با فلسفه وجودی آن که اصولاً تضمین‌گر حقوق و آزادی‌های مردم است. آنچه در مورد تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر مسئله را پیچیده‌تر می‌کند این است که برابر ماده ۱۸ دستورالعمل اجرایی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر تشکیل سازمان مردم‌نهادی که زمینه فعالیت آن امر به معروف و نهی از منکر باشد باز هم محدودتر شده است. برابر این ماده وزارت کشور و استانداری‌ها درخواست تشکیل جمعیت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد متقاضی فعالیت در زمینه امر به معروف و نهی از منکر را به ستاد امر به معروف و نهی از منکر اعلام و ستاد مرکز و استان حداکثر ظرف مدت یک ماه درخواست دریافتی را بررسی و مراتب را برای اقدام لازم به وزارت کشور اعلام می‌نماید. وزارت کشور مکلف است حداکثر ظرف مدت دو ماه نتیجه نهایی را به ستاد و متقاضی اعلام نماید. برابر تبصره این ماده ستاد فهرست سازمان‌های مردم‌نهادی را که به تأیید نهایی رسیده‌اند در اختیار مبادی ذی‌ربط قرار می‌دهد. می‌بینیم که نقش وزارت کشور در زمینه صدور مجوز سازمان‌های مردم‌نهاد به نقشی تشریفاتی و صوری تبدیل شده است. ظاهراً مقصود از اعلام نتیجه این است که بررسی ستاد، ملاک عمل وزارت کشور خواهد بود. این در حالی است که در آیین‌نامه

اجرایی نحوه تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب هیئت وزیران ۱۳۸۴ که مقدم بر این دستورالعمل اجرایی است، وزارت کشور به طور مطلق عهده‌دار بررسی درخواست تشکیل سازمان مردم‌نهاد است. بدین سان هم نقش دولت در صدور مجوز، تشریفات شده و هم فرایند راه‌اندازی سازمان مردم‌نهاد مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر دشوارتر شده است. به لحاظ ذهنی و نظری معلق کردن فعالیت‌های مردم بر اذن و اجازه دولتی به نوعی بر پیش‌فرض معصوم‌انگاری دولت و خطاکاری مردم مبتنی است. پیش‌فرضی که نه مبانی نظری و الهیاتی و نه واقعیات ملموس و تجربی که روزانه آن‌ها را تجربه می‌کنیم آن را تأیید نمی‌کنند. آمار بالای انواع تخلفات دولتی آشکارا هشدار می‌دهد که روانیست فعالیت‌های مشروع مردم را تا این اندازه به گیر و بندهای اداری پیوند بزنیم. این البته به معنای تجویز خطاکاری زیر پوشش فعالیت‌های داوطلبانه در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد نیست. می‌توان فرایندهای نظارتی مناسبی را برای کسانی که از حدود اختیارات و وظایف خود تجاوز می‌کنند پیش‌بینی کرد. اتفاقاً بخشی از این نظارت‌ها می‌تواند توسط حوزه عمومی جدا از دولت و نهادهای مدنی باشد تا بار مالی برای دولت نداشته باشد. اما این با مقید کردن فعالیت‌ها از آغاز و محدود کردن آن‌ها متفاوت است.

در مجموع انتظار می‌رفت با گذشت سالیان دراز از عدم تصویب قانون متناظر به اصل هشتم قانون اساسی شاهد قانونی باشیم که هم در تعیین چهارچوب‌های معروف و منکر، هم در زمینه حساسیت به خرج دادن در مورد حریم خصوصی شهروندان و هم رعایت توازن و تعادل میان حق مردم بر امر به معروف و نهی از منکر و اختیار دولت در زمینه دعوت به خیر و فضیلت روشن‌تر و کارآمدتر باشد و بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر همچون امری مردمی تکیه کند. امید می‌رود تجربه‌هایی که از اجرای آن به دست می‌آید زمینه‌ساز تدوین قانون مناسب‌تری باشد. والحمد لله أولاً و آخراً.